

تقویم تاریخ

خروج نیروهای انگلیس از ایران پس از استقرار دولت کودتا (۱۳۰۰ش)



پس از تثبیت دولت کودتایی سیدضیاءالدین طباطبایی و آسوده خاطر شدن دولت انگلستان از تأمین منافع خود در ایران و با استقرار نیروهای ایرانی در مناطق حساس، دهم اردیبهشت ۱۳۰۰ قوای انگلیسی متشکل از ۲۳۰۰ انگلیسی و ۹۳۰۰ هندی به منظور خروج از کشور از قزوین به طرف همدان حرکت کردند. انگیزه اصلی انگلستان برای خروج نیروهایش از ایران، کاستن از مخارج سنگین اداره این عده و برطرف شدن خطر بلشویک‌ها در روسیه بود.

آغاز عملیات بزرگ بیت المقدس (۱۳۶۱ش)



بلافاصله بعد از پایان عملیات پیروزمندانه فتح‌المبین در فروردین ۱۳۶۱ کار آماده‌سازی نیروها با قدرت و سرعت خارق‌العاده‌ای انجام گرفت و لشکرهای سپاه و ارتش به مناطق عملیاتی اعزام شدند. با اعزام‌های گسترده، مناطق عملیاتی مملو از نیرو شدند و دست فرماندهان اسلام برای انجام بزرگ‌ترین عملیات درون‌مرزی باز شد. پس از مشورت‌های فراوان، سرانجام عملیات به صورت گسترده غیر کلاسیک پیش‌بینی شد و ابتکارات و تجارب و خلاقیت‌های رزمندگان اسلام، نقش واقعی خود را در این عملیات بازیافتند. تا اینکه عملیات بزرگ بیت‌المقدس در تاریخ ۶۱/۲/۱۰۶۱ با رمز یا علی ابن ابی‌طالب (ع) در جبهه‌های جنوب، جنوب‌اواسط و شمال خرمشهر در وسعتی در حدود ۵۴۰۰ کیلومتر مربع و در سه مرحله آغاز شد و تا ۴ خرداد ۶۱ به طول انجامید که مهم‌ترین هدف آن آزادسازی خرمشهر بود. با آغاز مرحله اول و آزاد شدن قسمتی از خاک میهن اسلامی، آژانس‌های خبرپرانی به تکاپو افتادند تا با وارونه جلوه دادن حقیقت، پیروزی‌های ایران را خشنی و کج‌انگیزگی جلوه دهند. در ادامه، با عبور بی‌نظیر رزمندگان اسلام از محور کرخه و رسیدن به مرزهای بین‌المللی از شمال منطقه دزگیر و جیش بلند آنها از جاده اهواز - خرمشهر و استقرار در ۱۷ کیلومتری نوار مرزی، شهر هویزه به محاصره سپاهیان اسلام درآمد. تلاش عراق برای حفظ هویزه تا کام ماند و پس از مدتی درگیری، نیروهای پیروز اسلام وارد شهر هویزه شدند. در نهایت، خونین‌شهر پس از ۵۷۸ روز اسارت در سوم خرداد ۱۳۶۱ آزاد شد و به آغوش میهن اسلامی بازگشت. برخی از نتایج عملیات بزرگ بیت‌المقدس عبارت‌اند از: تلفات نیروی انسانی دشمن: اسیر ۱۹۰۰ نفر، کشته و زخمی ۱۶۵۰۰ نفر، آزاد شدن ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از اراضی جمهوری اسلامی از جمله مراکز مهمی چون شهر خرمشهر، هویزه و پادگان جمشید و تأمین امنیت ۱۸۰ کیلومتر از خط مرزی، تجهیزات و امکانات دشمن نیز خسارات ذیل را متحمل شدند: تانک و نفربر: ۲۵۰ دستگاه انهدامی و ۱۰۵ دستگاه افغانی، هواپیمای: ۴ فروند انهدامی، خودرو: ۲۰۰ دستگاه انهدامی و ۳۰۰ دستگاه افغانی، توپخانه: ۳۰ قبضه انهدامی و ۳۰ قبضه افغانی. عملیات فتح‌آفرین بیت‌المقدس سرانجام پس از ۲۵ روز نبرد فراموش‌نشده و با پاسکاری قسمت اعظم خاک جنوب از دشمن و در نهایت با فتح خرمشهر به پایان رسید و برگی زرین از دلاوری‌ها و رشادت‌های غیورمردان لشکر توحید به تاریخ حماسه‌سازان افزود.

پیروزی مردم ویتنام بر آمریکا و پایان جنگ ویتنام (۱۹۷۵م)

با آغاز جنگ ویتنام و ورود صدها هزار نفر از تفرنگاران آمریکایی به ویتنام شمالی، گروه‌های چریکی ویت کنگ جهت مقابله با نیروهای آمریکایی در این کشور تشکیل شد. آمریکا از ۱۹۶۴ حملات وسیعی را علیه ویتنام شمالی آغاز کرد به طوری که در مدت ۳ سال بیش از ۱۰۰ هزار حمله هوایی اجرا کرد و بیش از ۵/۲ میلیون تن بمب بر سر مردم ویتنام شمالی فرو ریخت. تنها یکی از آمار رسمی درباره تلفات این حمله‌ها رقم ۵۰۰ هزار کشته را نشان می‌دهد. سرانجام مقاومت نیروهای ویتنام شمالی باعث تلفات سنگینی بر ارتش ویتنام جنوبی و نیروهای آمریکا شد و جرالده فوردر رئیس‌جمهور وقت آمریکا دستور خروج بیش از ۲۰۰ هزار تن از سربازان خود را از ویتنام صادر کرد و ۲ ویتنام با هم متحد شدند. این جنگ نیز همچون جنگ ۲ کره با تحریک و پشتیبانی آمریکا و شوروی به وقوع پیوست.

لافتی علیه سید علی

ذکر قطره‌ای از دریای فضایل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام

ماه و خورشید همین آینه می‌گردانند

اصحابش رو کرد و فرمود: ای گروه یاران! به خدا سوگند در هیچ کاری پا جلو ننهاده‌م مگر به آنچه رسول خدا در آن با من عهد بسته بود. خوشا به حال کسی که دوستی ما خاندان در قلبش جای یافته است تا با دوستی ما ایمان در قلبش همچون کوه احد یا برجا و استوار شود و هر کس دوستی ما را در دل نداشته باشد ایمان در دلش محو می‌شود آنگونه که نمک در آب حل می‌گردد. به خدا سوگند و باز هم به خدا سوگند! در میان جهانیان یادی از یاد من برای رسول خدا دوست داشتی‌تری نیست و نماز بسر دو قبله چون نماز من نیست، چراکه هنوز کودک و نابالغ بودم که نماز می‌خواندم و فاطمه پاره تن رسول خدا صلی‌الله علیه و الهه وسلم همسر است، فاطمه‌ای که در زمان خویش چون مریم دختر عمران در زمان او است، و نکته سوم را به شما بگویم که حسن و حسین فرزندان این امت هستند، آن دو نسبت به محمد صلی‌الله علیه و الهه وسلم مانند ۲ چشم نسبت به سر می‌باشند و من جای ۲ دست برای بدن را دارم و فاطمه جانی قلب را در بدن دارد. ما همانند کشتی نوح هستیم که هر کس بر آن درآید نجات یابد و هر کس از آن عقب ماند غرق گردد.

«همانا که علی دری است که خدایوند آن را گشوده است؛ هر که در آن درآید در امان باشد و هر که از آن در شود کافر باشد.»

نگاهبان حوض کوثر

(مصدر روایت: پیامبر، راوی: سلیم از جابر بن عبد الله) سلیم از جابر بن عبدالله انصاری نقل کند که گفت: روزی در مسجد پیامبر بودیم که رسول خدا صلی‌الله علیه و الهه وسلم در حالی که در دستش طنابی از لیف خرما بود، از خانه درآمد و بر ما گذشت، آن را بر ما می‌نواخت و می‌فرمود: در مسجد نخواستید. جابر گفت: از مسجد درآمدیم و علی علیه‌السلام خواست که با ما بیرون رود. رسول خدا صلی‌الله علیه و الهه وسلم فرمود: ای برادر کجا می‌روی؟ آنچه برای من در مسجد حلال است برای تو نیز حلال است، تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی هستی، همانا که خداوند به موسی فرمود: تا مسجدی پاک و پاکیزه بنا کند که در آن جز او و هارون و ۲ پسرش شیر و شبنم نباشند. ای برادر! به آن که جانم به دست او است نگهداری حوض در دست تو است و آنگونه که مرد از شترش در مقابل شتر گر نگهداری می‌کند، تو را می‌بینم که نگهدار حوض هستی و در دست تو عصایی از چوب درخت عوج است.

امیر مؤمنان و سرور مسلمانان

(مصدر روایت: پیامبر، راوی: ابان از سلیم) ابان از سلیم بن قیس نقل کند که گفت: شنیدم که علی علیه‌السلام می‌گوید: از رسول خدا صلی‌الله علیه و الهه وسلم مرا ۱۰ مقام و منزلت است که هر کدام‌شان مرا بی‌نیاید خوشحال می‌سازد. به حضرتش گفته شد: ای امیر مؤمنان! آنها را برای ما بیان کن! فرمود: رسول خدا صلی‌الله علیه و الهه وسلم به من فرمود: «ای علی! تو برادری، دوست همدمی، تو وصی‌ای، تو وزیر، تو جانشین من در خاندان و مالی و در هر چه و هر جا که نباشم هستی. مقام تو نزد من مانند مقام من نزد پروردگارم است، تو جانشینم در میان امت هستی، دوست تو دوستم است و دشمن تو دشمنم، تو امیر مؤمنان و سرور مسلمانان پس از من هستی». سپس علی علیه‌السلام به

امیرالمؤمنین(ع): همانند کوهی که تندبادها آن را به حرکت در نمی‌آورد و توفان‌ها آن را از جای بر نمی‌کند، کسی نمی‌توانست عیبی در من بیابد و سخن چینی جای عیب‌جویی در من نمی‌یافت. خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بازگردانم و نیرومند در نظر من پست و ناتوان است تا حق را از او بازستانم.

من چشم فتنه را کندم و جز من کسی جرأت آن کار را نداشت

پس از حمد و ستایش پروردگار، ای مردم! من بودم که چشم فتنه را کندم و جز من هیچ کس جرأت چنین کاری را نداشت، آنگاه که امواج سیاهی‌ها بالا گرفت و به آخرین درجه شدت خود رسید. پس از من بپرسید پیش از آن که مرا نیابید. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، نمی‌پرسید از چیزی که میان شما تا روز قیامت می‌گذرد و نه از گروهی که صد نفر^(۱) را هدایت یا گمراه می‌سازد، جز آنکه شما را آگاه می‌سازم و پاسخ می‌دهم. و از آن که مردم را بدان می‌خواند و آن که رهبری‌شان می‌کند و آن که آنان را می‌راند، و آنجا که فرود می‌آیند و آنجا که بار گشایند و آن که از آنها کشته شود و آن که بمیرد، خبر می‌دهم. آن روز که مرا از دست دادید و نگرانی‌ها میان جاده‌های گمراه‌کننده بود، به پاختاسم در حالی که سرگردان بودید و راهنمایی نداشتید. تشنه‌کام هر چه زمین را می‌کندید قطره آبی نمی‌یافتید.^(۲) امروز زبان بسته را به سخن می‌آورم. دور باد رای کسی که با من مخالفت کند! از روزی که حق به من نشان داده شد، هرگز در آن شک و تردید نکردم! کناره‌گیری من چونان حضرت موسی علیه‌السلام برابر سحران است که بر خویش بیمناک نبود، ترس او برای این بود که مبدا جاهلان پیروز شده و دولت گمراهان حاکم گردد. امروز ما و شما بر سر دوراهی حق و باطل قرار داریم آن کس که به وجود آب اطمینان دارد تشنه نمی‌ماند.

آنگاه که همگان سست بودند، من قیام کردم

آنگاه که همه از ترس سست شده، کنار کشیدند، من قیام کردم و آن هنگام که همه خود را پنهان کردند، من آشکارا به میدان آمدم و آن زمان که همه لب فرو بستند، من سخن گفتم و آن وقت که همه باز ایستادند، من با راهنمایی نور خدا به راه افتادم. در مقام حرف و شعار صدایم از همه آهسته‌تر بود اما در عمل

بیمار دل بود و گفت: ای رسول خدا! بهشتی‌ام یا دوزخی؟ فرمود: دوزخی هستی! آن مرد نشست و خداوند خوارش کرد و در برابر همه رسوایش کرد. عمر بن خطاب برخاست و گفت: ما خشنودیم که خداوند پروردگار ما و اسلام دین ما و تو ای رسول خدا پیامبر ما هستی و به خدا پناه می‌بریم از خشم او و رسولش، از ما درگذر ای رسول خدا، خدای از تو درگذرد، عیب ما را بپوشان، خدای تو را بپوشاند. رسول خدا فرمود: خوب! بعد از این حرف‌ها، سوالی هم داری؟ عمر گفت: ای رسول خدا! خواهان عفو امت هستم. علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام برخاست و گفت: ای رسول خدا! نسیم را بفرما که من چه کسی هستم تا مردم خویشاوندی مرا با تو بدانند. فرمود: ای علی! تو و من از ۲ شط نور خلق شدیم که از زیر عرش تابیده بودند و تقدیس خدای می‌کردند و این دو هزار سال پیش از آفرینش خلق بود، سپس از آن ۲ شط نور ۲ قطره آب زلال سپید به هم پیچیده پدید آمد و سپس آن ۲ قطره آب زلال در اصلا بزرگوار و ارحام پاکیزه و پاک منتقل گردید تا که نیمی از آن در صلب عبدالله و نیمی در صلب ابوطالب قرار گرفت و من شدم و تو شدی و این فرموده خداوند است که: «او است خدایی که آفرید از آب بشری را و او را دارای سبب

پایمبر اعظم (ص): ای علی! تو از منی و من از تو، گوشت تو با گوشتم، خون تو با خونم درآمیخته، تویی رابطه میان خدا و خلقش پس از من، هر کس ولایت تو را انکار کند رابطه میان خویش و خدا را بریده است و از دوزخیان است، ای علی! خداوند جز به وسیله من و سپس به وسیله تو شناخته نشود، هر کس ولایت تو را انکار کند پروردگاری خداوند را انکار کرده است، ای علی! تو پس از من

و نسب کرد، پروردگارت توانا است.^(۱) ای علی! تو از منی و من از تو، گوشت تو با گوشتم، خون تو با خونم درآمیخته، تویی رابطه میان خدا و خلقش پس از من، هر کس ولایت تو را انکار کند رابطه میان خویش و خدا را بریده است و از دوزخیان است، ای علی! خداوند جز به وسیله من و سپس به وسیله تو شناخته نشود، هر کس ولایت تو را انکار کند پروردگاری خداوند را انکار کرده است، ای علی! تو پس از من نشانه بزرگ خداوند در زمین هستی، تو رکن اکبری در قیامت، هر کس در سایه تو پناه گیرد رستگار است، زیرا بندگان خدا را تو حسابرسی، میزان میزان تو است، صراط صراط تو است، جایگاه جایگاه تو است، حساب حساب تو است، هر کس به تو رو کند نجات یابد و هر کس با تو مخالفت کند تیرا و هلاک شود، خدایا گواه باش، خدایا گواه باش. سپس حضرتش از منبر به زیر آمد.

امنیت ولایت علی(ع)

(مصدر روایت: سلمان فارسی، راوی: ابان از سلیم از سلمان) ابان از سلیم بن قیس نقل کند که گفت: شنیدم که سلمان فارسی می‌گوید:

از پیامبر اعظم، حضرت محمد مصطفی -صلی‌الله علیه و الهه وسلم- نقل است که «خبر اخوتی علی و ذکر علی عباد» (بهترین برادر من علی است و یاد علی عبادت است). در آستانه سیزدهم رجب، مولود موقورالسور مولی‌الموحدين و امام‌المؤمنين حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به ذکر برخی از فضایل مولا می‌پردازیم. هر چند قطره‌ای از دریای بی‌کران فضایل اسدالله‌الغالب را نیز نتوان به قلم و زبان توصیف کرد اما می‌گوییم و می‌خوانیم بدان امید که نام ما نیز در فهرست محبین و موالیان اول مظلوم عالم ثبت شود.

ای علی! خداوند جز به وسیله من و تو شناخته نشود

(مصدر روایت: پیامبر، راوی: ابان از سلیم از سلمان، ابودر و مقداد) ابان بن ابی‌عیاش از سلیم بن قیس و او از سلمان و ابودر و مقداد نقل کند که گروهی از منافقان گرد هم آمدند و گفتند: محمد دارد ما را از بهشت و نعمت‌هایی که خداوند برای دوستان و بندگان فرمانبردارش آماده کرده و از دوزخ و خفت و خواری که خداوند برای دشمنان و بندگان نافرمانش فراهم ساخته خبر می‌دهد، اگر راست می‌گوید ما را از پدران و مادران ما خبر دهد و بگوید که بهشتی هستیم یا دوزخی و از آنچه که دیر یا زود در همین دنیا روی

خواهد داد. این سخن به رسول خدا صلی‌الله علیه و الهه وسلم رسید، به بلال فرمود که ندای نماز جماعت دهد، مردم بسیار گرد آمدند تا که مسجد انباشته شد و جا بر آنان تنگ آمد. رسول خدا صلی‌الله علیه و الهه وسلم خشمناک بیرون شد و در حالی که دست‌ها و پاهایش از پیراهن بیرون زده بود به منبر شد، سپس و ستایش خدای گفت و فرمود: ای مردم! من هم آدمی مانند شما هستم که فقط پروردگارم به من کند و مرا به انجام رساندن پیامش مخصوص گردانیده و به نبوتش برگزیده و بدین‌سان مرا بر همه فرزندان آدم برتری داده و مرا هر آنچه بخواهد از غیب آگاه می‌کند، پس هر چه می‌خواهید از من بپرسید. مردی مؤمن و خدا و رسول دوست، برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! من که هستم؟ فرمود: تو عبدالله بن جعفر هستی. رسول خدا صلی‌الله علیه و الهه وسلم او را فرزند پدرش دانست. آن مرد خوشحال بر جایب نشست، سپس مردی منافق و بیمار دل و دشمن خدا و رسولش برخاست و گفت: ای رسول خدا! من چه کسی هستم؟ فرمود: تو فلائی پسر فلائی، چوپان بنو عصمه که بدترین شاخه قبیله ثقیف هستند می‌باشی. آنان نافرمانی خدا کردند، خداوند هم خوارشان کرد. آن مرد نشست و بدین‌سان خدای خوارش نمود و در برابر چشم همه رسوایش کرد، چرا که مردم پیش از این شکی نداشتند که وی از دلاوران و بزرگان قریش است. سپس فرد سموی برخاست که منافق و

